

# مدیریت شهری

شماره ۴۵ زمستان ۹۵

No.45 Winter 2016

■ ۳۶۹-۳۸۸ ■

زمان پذیرش نهایی: ۱۳۹۵/۷/۲۳

زمان دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۱/۸

## بررسی گفتمان قدرت در نگارش تاریخ هنر و معماری و شهرسازی ایران در عصر ساسانی و ورود اسلام

پونه عبدالکریم زاده - دانشجوی دکتری پژوهش هنر، دانشگاه الزهرا(س)، تهران، ایران.

عفت السادات افضل طوسی\* - دانشیار هنر، دانشکده هنر، دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران.

### Strategic Business/IT Alignment of Semnan Province Small and Medium production cooperatives

#### Abstract

The aim of this study is to empirically investigate the impact of Business-Information Technology Alignment on small and medium enterprise and to revision the BIA prior by using data from production cooperatives. In this research, the population is all of the cooperatives section. By using Delphi method and commands of the experts' fourteen parameters were recognized. Then, a sample size of 140 active firms was determined. In order to assessing business/IT alignment used enhanced strategic alignment maturity Luftman model as basic model. The main findings showed that the six IT-business alignment criteria has a significant effect on production cooperatives. Also, we found that the production cooperatives are the second level of maturity, the level of commitment. This level indicate that the strategic role of IT in cooperatives has not been established. But has begun identifying potential opportunities for alignment; Finally, provided long-term and short-term strategies to improve the alignment of production cooperatives.

**Keywords:** Business-Information Technology Alignment, Strategic Alignment, Small and Medium Co-Production, Information Technology Management

#### چکیده

سازمانیان خود را جانشینان برحق هخامنشیان می دانستند. فرهنگ و تمدن و هنر در این دوره از تاریخ ایران به اوج خود می رسد. تاریخ نگاران ایرانی و غیر ایرانی بر این باورند که با سرنگونی دولت ساسانی، ایران هرگز روی تمدن و پیشرفت به خود ندیده است. نظریه گفتمان قدرت و دانش میشل فوکو به تحلیل و واسازی این باورها می پردازد. تحلیل گفتمان اهداف پشت این باورها را نشان می دهد. از نظر فوکو قدرت گزینه هایی را به عنوان دانش انتخاب می کند. این دانش هم مولد و هم سرکوبگر است. شکلهایی از مبارزه با این قدرت دانش وجود دارد. این پژوهش به کمک روش اسنادی و کتابخانه ای با تحلیل نظریه ی گفتمان قدرت-دانش میشل فوکو در عصر ساسانی می پردازد. هدف این پژوهش نشان دادن تفاوت دو دید گاه متفاوت مولد و مبارز برای تاریخنگاران ایرانی و غیر ایرانی است. بسیاری از تاریخ نگاران ایرانی، اطلاعات خود را مدیون باستان شناسان و شرق شناسان غربی می دانند. از این رو این تاریخنگاران اغلب باستانگرا هستند. تحلیل گفتمان دانش و قدرت جایگاه متفاوت و متضاد این دو گروه را برمآ آشکار می سازد.

**واژگان کلیدی:** ایران، ساسانی، دانش، قدرت، فوکو، تاریخ.

\* نویسنده مسئول مکاتبات، شماره تماس: ۰۹۱۳۳۰۳۷۸۹۸؛ رایانمه: abdolkarim@yahoo.com

این پژوهش برگرفته از رساله دکتری پونه عبدالکریم زاده با عنوان گفتمان تمدن و تاریخ هنر ایران با رویکرد نظریه میشل فوکو، رشته پژوهش هنر دانشگاه الزهرا(س) می باشد.

## مقدمه

بر تحلیل زیرمنتهای و شکاف‌های تاریخی بیشتر به دو اثر توجه می‌شود. دوره ساسانی و ورود اسلام از کتاب میراث باستانی ایران (۱۳۴۴.ش) نوشته شرق‌شناسی آمریکایی، ریچارد نلسون فرای و تاریخ ایران باستان (۱۳۰۶.ش) نوشته مشروطه خواه باستان‌گرا، حسن پیرنیا، مورد بررسی قرار می‌گیرند.

### نظریه گفتمان میشل فوکو

در دیرینه شناسی دانش، فوکو می‌گوید: «گفتمان مجموعه‌ای از جملات یا گزاره‌های است و می‌توان آن را گروه بزرگی از گزاره‌ها تعریف کرد که به یک نظام واحد صورت‌بندی- یک به اصطلاح صورت‌بندی گفتمانی - تعلق دارند» (برتنس، ۱۳۸۴، ص ۱۷۸). مفهوم گفتمان در اندیشه فوکو، نسبتی خاص با ساختگرایی دارد که بر محور روش دیرینه‌شناسی‌نتظیم شده است. از منظری ساختگرایانه، گفتمان برای اشاره به مجموعه قاعده‌مندی از گزاره‌ها به کار می‌رود که به صورت ساختارهای ناممئی و ناخودآگاه، در پس اندیشه‌های منفرد، تئوری‌ها و سخنان روزمره نهفتند است و قواعد خود را بر اندیشه، فلسفه، علم، رفتارها و گفتارها تحمیل می‌کند. از این منظر، فلسفه‌ها و نظریه‌ها حاصل نوعی ساختار می‌باشد که در ناخودآگاه مردم وجود دارد و بر اساس آن همه‌چیز شکل می‌گیرد. در دیدگاه گفتمانی، برخلاف روش اثباتی که جهان بیرونی را به عنوان جهانی از پیش‌شکل گرفته و عینی تلقی کرده و معرفت ما را محصول بازتاب‌های بیرونی می‌داند، جهان اجتماع و انسان، جهانی ذاتی‌شکل و بی‌معنی است و به وسیله گفتمان‌های مسلط هر عصری، معنا و شکلی خاص می‌گیرد و محدود و محصور می‌شود. به سخن دیگر، اجتماع و انسان به طور بالقوه قابل ظهور در اشکال گوناگونی است و گفتمان مسلط در هر دوره، به تحقق و ظهور متعین یکی از آن اشکال می‌انجامد ( بشیریه، ۱۳۷۸، ص ۱۲-۱۱). این گفتمان‌ها با ادعای تخصص، تعیین می‌کنند که چگونه درباره حوزه مورد نظرمان سخن بگوییم یا بیندیشیم؛ و ما را متقادع می‌کنند که خودمان و دیگران را

تاریخ‌نگاری هنر در ایران به سده دهم هجری و دیباچه‌های مرقعات خط و نقاشی در روزگار صفویان بر می‌گردد. آنچه امروزه از تاریخ‌نگاری هنر به عنوان امری مدرن می‌شناسیم، زاده اروپای دوره رنسانس است. تاریخ‌نامه‌های هنر در ایران زمین در امتداد سنت تذکره و ادب پدید آمد و تاریخ نامه‌های

هنر در مغرب زمین حاصل انقطاع از سنت هنر و نوشتمن درباره هنر بود. آنچه امروزه در تاریخ‌نگاری هنر ایران دیده می‌شود، حاصل تلاش باستان‌شناسان و شرق‌شناسان است. کسانی که اغلب غیر ایرانی و به تعبیر نظریه‌های استعماری و پسا استعماری، غربی محسوب می‌شوند. تاریخ نگاران مدرن ایرانی اغلب تحصیل‌کرده‌اند غرب و باستان‌گرا بودند. آنها به خصوص از دوره قاجار به بعد، بر اساس یافته‌های کاوشگران غربی به نگارش تاریخ هنر پرداختند. در نگاه اول تاریخ‌نگاران باستان‌گرا و غرب‌گرای ایرانی هم عقیده و موافق باستان‌شناسان و شرق‌شناسان غربی هستند. تحلیل گفتمان قدرت-دانش میشل فوکو نشان می‌دهد که این دو گروه در دو جرگه متفاوت و متضاد قرار می‌گیرند. این پژوهش بر دوره ای ساسانی و ورود اسلام به ایران تکیه دارد. زمانی که به باور تاریخ‌نگاران دوران شکوه و عظمت ایران پایان یافته و دوران فترت آغاز می‌شود. هدف پژوهش پیش رو پاسخ به این پرسش است که چه عواملی در این تضاد دخالت داشته‌اند؟ و چگونه شیوه تحلیل گفتمان میشل فوکو می‌تواند این تفاوتها را آشکار سازد؟ این پژوهش به کمک روش اسنادی و کتابخانه ای با تحلیل نظریه گفتمان قدرت-دانش میشل فوکو در عصر ساسانی به تحلیل این دو گروه تاریخ‌نگار می‌پردازد. گزاره‌های انتخابی از جانب تاریخ‌نگاران ایرانی دانش متفاوتی را نسبت به غربیها شکل می‌دهد. هرچند که این گزاره‌ها همان‌هایی هستند که دانش باستان‌شناسی و تاریخ‌نگاری غرب در ایران را شکل داده است.

در پژوهش حاضر با رویکرد تحلیل گفتمان و تاکید

## دریی شهری

فصلنامه مدیریت شهری  
Urban Management  
شماره ۴۵ زمستان ۹۵  
No.45 Winter 2016

۳۷۰

# مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری  
Urban Management  
شماره ۴۵ زمستان ۹۵  
No.45 winter 2016

۳۷۱

خبر داشته باشد، بلکه تمام اعضای اجتماع مربوطه به یک انداره در آن سهیم‌اند. بدین ترتیب، اعمال گفتمانی به لحاظ ناآگاهانه بودنشان شبیه ساختارها هستند که از قواعد به خصوصی تبعیت می‌کنند. فوکو این ساختارهای نهایی را که در پس اندیشه‌ها و کردارها نهفته است، «پیستمه» یا «صورت‌بندی دانایی» می‌نامد. «پیستمه»، پیش‌زمینه فکری ناخودآگاه همه اندیشمندان یک عصر ویا همان ناخودآگاه معرفت در هر دوران است. به سخن دیگر، اپیستمه، صورت‌بندیکلی آن روابط ساختاری و ساختمندی است که شیوه ظهور گفتمان‌های علمی در هر عصری را تعیین می‌کند؛ یعنی چیزی است که تعیین می‌کند که چه می‌توان گفت و چه نمی‌توان گفت. بدین‌سان، اپیستمه بر سوژه انسانی مقدم است و شکل خاص اندیشه و کردار وی را تعیین می‌کند ( بشیریه، ۱۳۷۸، صص ۲۲-۲۳). قدرت از طریق گفتمان و صورت بندیهای گفتمانی Discursive Formations عمل می‌کند (برتنس، ۱۳۸۴، ص ۱۷۸). فوکو معتقد است که میان اپیستمه یا نظام دانایی و قدرت، نسبتی همیشگی وجود دارد و هر صورت‌بندی دانایی، روش‌ها و عملکردهای خاصی برای کاربرد نظارت اجتماعی و کنترل دارد. به‌طور کلی، گفتمان در عین حال به مثابه یک قدرت است که همه‌چیز را به خود جذب می‌کند و با ایجاد رژیم حقیقت خاص خود، به هویت ما شکل می‌دهد و در پرتو تغییر گفتمان‌ها، نحوه نگاه به انسان هم عوض می‌شود. در این معنا، گفتمان همچون قدرت اجتماعی عمل می‌کند و انسان را به زیر سلطه درمی‌آورد. گفتمان به عنوان قدرت، در هر زمینه‌ای چیزهایی را حفظ و چیزهایی دیگر را حذف می‌کند ( بشیریه، ۱۳۷۸، ص ۲۴). در سناریوی فوکو، قدرت، دانش را تولید می‌کند؛ بدین معنا که باید یک گفتمان، اعتبار و باور پذیری دانش را ایجاد کند. این قدرت است که نهایتاً حقایق گفتمان‌ها را به وجود می‌آورد. فوکو مجموعه دعاوی موجود در مورد دانش را یک گفتمان می‌نامد (برتنس، ۱۳۸۴،

تحت مراقبت دائم درآوریم. گفتمان‌ها درست به مانند هژمونی گرامشی (پذیرش عقاید و ارزش‌های حاکم از طریق رضامندی consent) و ایدئولوژی آلتوسر (پذیرش عقاید و ارزش‌های حاکم از طریق قدرت سرکوبگر) عمل می‌کنند؛ زیرا ما کاملاً آنها را درونی می‌کنیم تا جایی که حتی در مالذت به وجود می‌آورند. گفتمان‌ها شیوه نگاه ما به جهان را نظام مند می‌کنند. ما گفتمان‌ها را زندگی و تنفس می‌کنیم و در نتیجه بی‌آنکه خود بدانیم حلقه رابط تعداد فراوانی از زنجیرهای قدرت هستیم. این گفتمان‌ها با ادعای تخصص، تعیین می‌کنند که چگونه درباره حوزه مورد نظرمان سخن بگوییم یا بیندیشیم، و ما را متقاعد می‌کنند که خودمان و دیگران را تحت مراقبت دائم درآوریم. گفتمان‌ها درست به مانند هژمونی گرامشی (پذیرش عقاید و ارزش‌های حاکم از طریق رضامندی و ایدئولوژی آلتوسر) عمل می‌کنند، زیرا ما کاملاً آنها را درونی می‌کنیم تا جایی که حتی در مالذت به وجود می‌آورند. گفتمان‌ها شیوه نگاه ما به جهان را نظام مند می‌کنند. ما گفتمان‌ها را زندگی و تنفس می‌کنیم و در نتیجه بی‌آنکه خود بدانیم حلقه رابط تعداد فراوانی از زنجیرهای قدرت هستیم (برتنس، ۱۳۸۴، صص ۱۸۱-۱۸۲).

از این منظر، ساختارهای گفتمانی به عنوان چارچوب‌هایی هستند که به عنوان حدی بر واقعیت متکثراً، بی‌کران و بی‌نظم بیرونی به جهان بی‌شكل و بی‌معنای خارج، شکل و معنا می‌بخشند و به دلیل آن که محصول تحولات تاریخی هستند، دائماً در معرض تغییر و تحول‌اند. فوکو، عمل گفتمانی را چنین تعریف می‌کند: «مجموعه‌ای از قواعد تاریخ‌خواهی که همیشه در زمان و مکان معرفت یک دوران خاص دانسته می‌شوند و کارکرد ارتباطی در یک محدوده اجتماعی، اقتصادی، جغرافیایی و زبانی مشروط به آن‌هاست» (ماتیوز، ۱۳۷۸، صص ۲۱۶-۲۱۴). این قواعد که در ناخودآگاه وجود دارد، قواعدی نیستند که گوینده خاصی آگاهانه از وجود آن‌ها

دارد. بنیان‌های فکری تحلیل گفتمان فراتر از تحلیل متن یا نوشتار (text analysis) یا تحلیل گفتار است. گفتمان مجموعه‌ای از گزاره‌هایی است که یک مفهوم کلی را در بر می‌گیرد؛ در نظرات میشل فوکو (که می‌توان از او به عنوان بنیانگذار تحلیل گفتمان یاد کرد) تاکید بر این است که رابطه‌ای تعاملی بین text و زمینه context وجود دارد. همچنین رابطه‌ای تعاملی و دیالکتیکی بین «گفتمان، قدرت، معرفت و حقیقت» وجود دارد. مهمترین دستاوردهای فوکو را تحلیل روابط قدرت و معرفت می‌دانند (عبدالهادی صالحی زاده، ۱۳۹۱، ص ۱۲۳).

تحلیل گفتمان Discourse Analysis قصد دارد نشان دهد که از طریق کدام فرآیند تلاش می‌کنیم تا معنای نشانه‌ها را ثابت کنیم، و کدام فرآیند موجب می‌شود که برخی از موارد ثابت معاشر به چنان امر معمولی بدل شوند که آنها را پدیده ای طبیعی به شمار آوریم. اکنون این طرح کلی را به نظریات لاکلو و موف ترجمه می‌کنیم. گفتمان را ثابت معاشر درون یک قلمرو خاص تعریف کرده‌اند. تمامی نشانه‌های یک گفتمان بعد moment هستند. آنها گره گاه‌هایی هستند که بر اساس مواضع مبتنی nodal points بر تفاوت‌شان differential positions ثابت شده و بست closure خورده‌اند. بدین ترتیب سایر معناهای نشانه‌ها طرد exclusion می‌شوند و میدان گفتمان the field of discursive فیلیپس، ۱۳۹۱، ص ۵۵-۵۷.

## قدرت، دانش و گفتمان

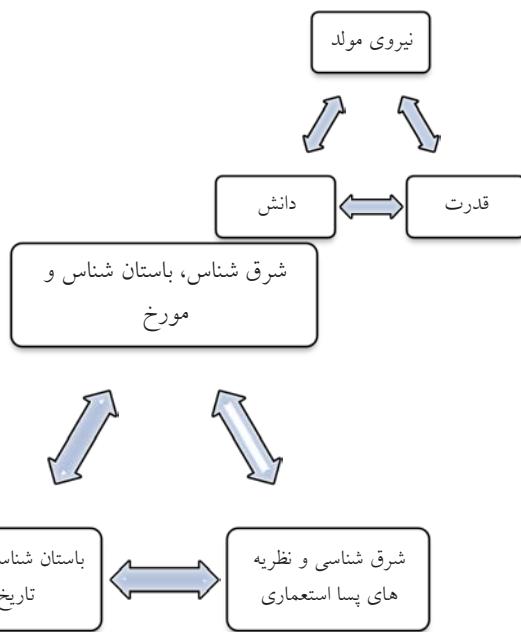
به نظر می‌رسد بادیدگاه فوکو از قدرت- دانش، کسانی که در جریان اعمال قدرت برفرهنگ و ملت و جغرافیایی دیگری قرار دارند (به نوعی بومی و محلی و یا به تعبیری اهل آن فرهنگ یا ملت آن جغرافیا) به حساب می‌آیند و با نهاد قدرت همسان نیستند) و به نهادهای قدرت وابستگی (مادی) و یا به خصوص گرایش ذهنی و درونی پیدا می‌کنند در جرگه مدلی از مبارزه (نمودار شماره ۲) و مقاومت (تسليم) قرار می‌گیرند و به سوزه تبدیل شده‌اند. در صورتی

ص ۱۷۸). دانش محصول گفتمان به خصوصی است که امکان صورتبندی دانش را فراهم می‌آورد، و بیرون از این گفتمان، دانش اعتبار خود را از دست می‌دهد (همان، ۱۳۸۴، ص ۱۸۰).

بر این اساس، موضوع اصلی گفتمان «حکم» است که همراه با قواعد و اعمال اجتماعی، اشکال هویت و روابط قدرت عمل می‌کند و در پیوند با راهبردهای حاکم‌شدن و مقاومت عمل می‌کند. به تعبیر بهتر، «گفتمان نوعی قدرت است که در میدان اجتماعی می‌چرخد و می‌تواند به راهبردهای حاکم‌شدن و همچنین مقاومت بچسبد» (خلقی، ۱۳۸۲، ص ۲۱۰). در تحلیل نهایی، می‌توان گفت که فوکو از ارائه تحلیلی ساختگرایانه اجتناب می‌ورزد و برخلاف ساختگرایی، به دنبال ایجاد الگوی صوری قاعده‌مندی برای تبیین رفتار انسان نیست (دریفوس، رابینو، ۱۳۷۸، ص ۵۴-۴۸). او برخلاف ساختگرایان که نظام زبان را تعیین کننده فرهنگ و معنا می‌دانند، نشان می‌دهد که چگونه کاربرد زبان یا گفتمان، همواره با کاربرد قدرت همراه است. نهادهای اجتماعی در چارچوب گفتمان و از طریق فرآیند حفظ برخی امکانات و حذف برخی دیگر، قدرت‌خود را مستقر می‌سازند (حسین بشیریه، ۱۳۷۸، ص ۹۲). آثار فوکو توجه مارا به نقش زبان در اعمال و حفظ قدرت جلب می‌کند. براساس نظر فوکو جهان مدرن غربی شدیداً تحت کنترل گفتمان‌هایی است که رفتارمان را بهنجار می‌کنند زیرا ما آنها را درونی کرده‌ایم و برای دست یابی به تمامی اهداف عملی، بر خود نظرات می‌کنیم. نقد فوکویی به نقش متون در چرخش و دوام قدرت اجتماعی توجه دارد (برتنس، ۱۳۸۴، ص ۱۹۵).

## تحلیل گفتمان

تحلیل گفتمان یا Discourse Analysis یا interdisciplinary به گرایشی بین رشته‌ای تبدیل شده است ریشه در جنبش انتقادی ادبیات، زبانشناسی (نشانه‌شناسی) تاویل گرایی، هرمنوتیک گادامر و تبار شناسی و دیرینه شناسی میشل فوکو

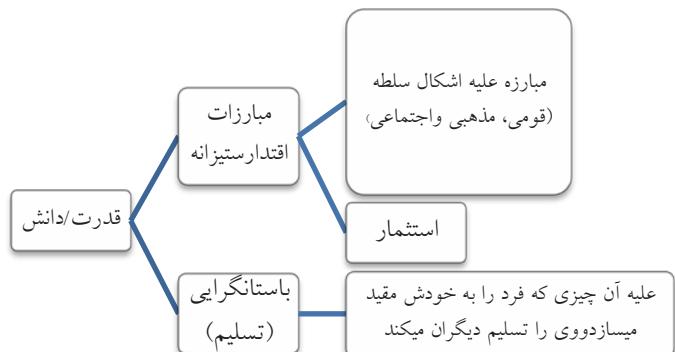


نمودار ۱. قدرت / دانش به عنوان نیروی مولد؛ مأخذ: نویسندهان.

## مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری  
Urban Management  
شماره ۴۵ زمستان ۹۵  
No.45 winter 2016

۳۷۳



نمودار ۲. اشکال مبارزه با قدرت/دانش؛ مأخذ: نویسندهان.

اسلام را پذیرفتند، دست رد به سینه عربیت زدند. همسان هستند (افرادی غیر از فرهنگ و ملتی که قدرت برآنها اعمال می‌شود، منظور دیگران است) در جرگه مولدین (نمودار شماره ۱) قدرت قرار داردند (دریفوس، رابینو، ۱۳۹۱، ص ۳۴۸).  
**باستانگرایی سنتی و جدید**  
 ایرانیان در برخورد با اعراب اولین قومی بودند که معادله «عرب یعنی اسلام» را شکستند و با این که

## کشفیات باستانشناسی و تاریخی و تاثیر آن بر باستانگرایی

آثار باستانی و کتیبه های تاریخی ایران در دوره صفوی مورد بازید برخی سیاحان و سفرای دولهای اروپایی قرار گرفته بود

دون گارسیا سیلو سفیر فرانسه و پیتر دلاواله ایتالیایی (بین سالهای ۱۶۱۹-۱۶۲۱، م. ۱۰۴۰-۱۰۳۸) از آثار باستانی دیدن کرده و گزارشهاي به اروپا بردن

## کشفیات آثار باستانی در عهد قاجاریه همراه با اعطای امتیازات به اروپائیان بود

کشت دو مرگان از سال ۱۳۱۷ م.ق. به کوششی باستانشناسی در جنوب ایران دست زد و پاییش از ۱۲۰ کارگر آثار زیادی را کشف کرد. از جمله این آثار خواجه های قصردار یوش اویل، اردشیر گور و خشایار شاه بودند که حدود پنج هزار قطعه به پاریس منتقل شد.

در حدود سال ۱۸۹۷ م.ق. دولت فرانسه امتیاز کوششی علمی برای کشف آثار باستانی را در سراسر خاک ایران برای مدت نامحدود از مفقر الدین شاه گرفت.

مارسل دیولافوآی فرانسوی در سال ۱۸۸۳ م.ق. باز ناصر الدین شاه امتیاز حفاریهای باستانی را گرفت.

مهمنترين اتفاق در کشفیات آثار باستانی ایران گشوده شدن رمز خط میخی بود خوانده شدن خطوط میخی کلیدرهای بسته تاریخ ایران قدیم را گشود و باعث جلب توجه دانشمندان اروپایی به تاریخ باستان گردید.

هنر والپیون انگلیسی به تشویق سر جان ملکم در سال ۱۸۳۳ م.ق. به خواجه های تخت جمشید رفت و رمز خط میخی را گشود.

## نمودار ۳. تاثیر کشفیات باستانشناسی بر باستانگرایی؛ مأخذ: نویسندها

# میری شهری

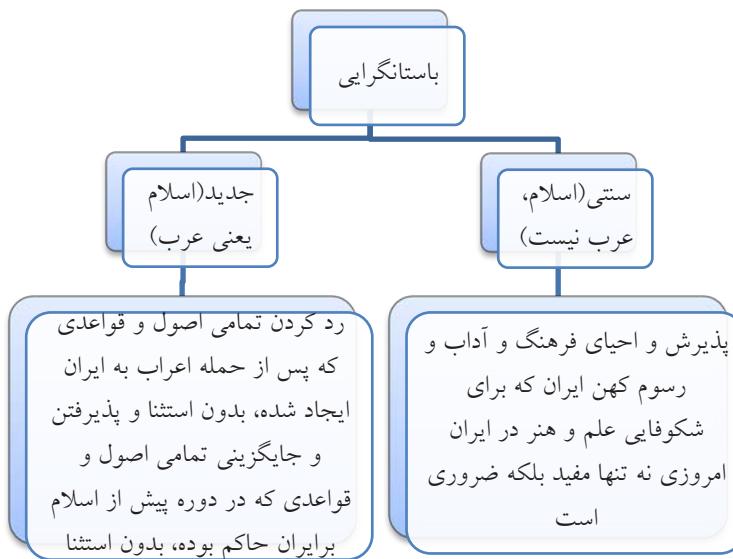
فصلنامه مدیریت شهری

Urban Management

شماره ۴۵ زمستان

No.45 Winter 2016

۳۷۴



## نمودار ۴. باستانگرایی سنتی و جدید؛ مأخذ: نویسندها

**شرق شناسی و تاثیر آن بر باستانگرایی**

شرق شناسی در اوایل قرن چهاردهم، زمانیکه شورای شرق شناسی از کرسی های دانشگاهی را به فهم زبان وین تعدادی از کرسی های دانشگاهی را به ظهور ها و فرهنگ های شرقی، اختصاص داد به ظهور رسید. نیروی محرکه اصلی شرق شناسی از تجارت، رقابت های درون دینی و منازعات نظامی نشأت گرفته است. و در نهایت از تاریخ فتوحات اروپاییها در آسیا بدور نیست. اما بیش از هم در قرون ۱۸ و ۱۹ شرق شناسی اوج گرفت. در بریتانیا در سال ۱۷۸۴ و «موسسه مصر ناپلئون» از سوی فرانسویان و در نهایت «جامعه آسیایی» در سال ۱۸۴۵ به وجود آمد (ترنر، ۱۳۸۴، ص ۸۶). این پدیده، که کشورهای شرقی در این دو قرن اخیر با آن مواجه هستند، عبارت است از مطالعات و تحقیقاتی که کشورهای غربی در مسایل تاریخی، اجتماعی، فرهنگی، مردم شناختی، زبان شناختی، هنری و غیره در کشورهای شرقی انجام داده اند. شرق شناسی را میتوان تحت دو نظریه مورد بررسی قرارداد: ۱- شرق شناسی مجموعه مطالعات علمی و بی غرضانه ای است که اشخاص بنا به ذوق و علاقه خود به آن مشغولند. در این راستا برخی از خاورشناسان دیده میشوند که در زمینه موضوع پژوهش خود سالیان دراز کار کرده و با آن نوعی علقه عاطفی و ذاتی پیدا کرده اند. بر تولد اشپولر، هنری کربن<sup>۲</sup>، آن ماری شیمل، چنین پژوهشگرانی هستند (بیگدلو، ۱۳۸۰، صص ۱۱۱ و ۱۱۲)؛ ۲- نظر دیگر این است که شرق شناسی به مقتضای مقاصد استعماری به وجود آمده است و سوداگران سیاسی و اقتصادی از پژوهشگرانی شرق شناسان برای چیرگی واستعمار اقوام شرقی استفاده کرده اند. هدف شرق شناسی بهره برداری فرهنگی، اقتصادی، سیاسی است و مراکز متعدد شرق شناسی نیز در راستای این اهداف ایجاد شده اند. حتی بسیاری از شرق شناسان نیز به

حتی با قبول اسلام بسیاری از مراسم و آداب و رسوم اجتماعی خویش را حفظ کردند و یا دگرگوئیهایی در آنها به وجود آورند و به آنها پایبند ماندند. بسیاری از شاعران و ادبیان نیز از همان عهد خلافت امویان و مخصوصاً عباسیان و سپس در دوران حکومتهای ایرانی تبار و بعدها ترک نژاد به انتقال این مواريث به نسلهای بعدی پرداختند. نمونه روشن آن حکیم ابوالقاسم فردوسی و شاهکارش شاهنامه است که بسیاری از داستانها و آداب و رسوم ایران باستان را به شیوه ای حمامی برای همیشه ماندگار ساخته است. این داستانها و سمبلهای باستانی با فرهنگ اسلامی و حتی ادبیات عرفانی عجین گشته (زرین کوب، ۱۳۶۳، ص ۴۹۷).

با تمام این توصیفات، نوعی نگاه به گذشته تاریخی ایران یا باستان گرایی در نگاه ایرانیان توسط برخی متون مانند خدای نامه، مزدک نامه یا کارنامه اردشیر بابکان، که بخشی از آن نیز در شاهنامه فردوسی راه یافت، مبرز است. اما علی رغم این ریشه های کهن به نظر می رسد باستانگرایی جدید، تحت تاثیر شرق شناسی، گاه اهداف و ریشه های باستانگرایی سنتی را دنبال نکرد و نتوانست از این گذشته پربار که ایرانیان در جای جای فرهنگ و ادب از آن محافظت کرده و آن را به نسلهای بعد انتقال داده بودند، استفاده ای در خور نماید. به نظر می رسد باستانگرایی سنتی که از جمله از طریق اشعار شاهنامه فردوسی انتقال یافته بود. در ادامه این مقاله با مقایسه دو نگاه از دو تاریخ نگار هنر ایران ریچارد فرای در کتاب میراث ایران باستان و کتاب تاریخ ایران باستان از حسن پیرنیا، ضمن بررسی ریشه ها و علل باستان گرایی جدید، با توجه به آرای میشل فوکو به بیان گفتمان غالب در باستانگرایی و تاریخ هنر ایران پرداخته می شود.

۱۹۶- از اینرو میتوان گفت، کلیت جریان شرق شناسی که ادعای علم و بی طرفی و اتخاذ روش‌های نوین پژوهش را داشت، به سادگی زاییده یک نیاز سیاسی و اقتصادی بود.

**بنیانهای شرق شناسی**  
دشمنی با اسلام که در آثار بسیاری از روشنفکران و نویسنده‌گان عصر رنسانس و روش‌نگری وجود داشت، به شرق شناسان نیز منتقل گردید. گویی میسیونرهای اسلام ستیز اروپا جای خود را به شرق شناسان دادند، ولی در واقع اسلام ستیزی با نام اسلام شناسی ادامه یافت (سحاب، ۱۳۵۶، ص ۱۳).

نژاد پرستی یکی دیگر از عناصر موجود در شرق شناسی است. ریشه این تفکر به نگرش یونانیان باستان نسبت به اقوام غیریونانی می‌رسد. اروپاییان که خود را متمدن ترین و برترین نژادهای جهان می‌پنداشتند، این طرز تفکر رادر قرون وسطی با مذهب در آمیختند و به دوره رنسانس انتقال دادند. «گفتمان شرق شناسی به حفظ الگوی تمایز نژادی و جغرافیایی مبادرت ورزید، چرا که این گفتمان از یک سودر عقل باوری، سکولاریسم و جهان‌گرایی قرن هجدهم و اzosوی در رمان‌تیسم، پوزیتیویسم و استعمارگری قرن نوزدهم ریشه داشت» (بروجردی، ۱۳۷۷، ص ۲۰).

ادوارد سعیدبا توجه به نکته میشل فوکو در مورد رابطه دانش و قدرت، همکاری آگاهانه شرق شناسان و قدرت‌های استعماری را برملا می‌سازد. در این همکاری شرق شناسان به شکل تجسمی شرق رادر می‌یافتند و قدرت‌های استعماری به شکل فیزیکی آن را تصاحب می‌کرند و آنچه این همکاری را ممکن می‌ساخت باورهای نژادپرستانه و امپریالیستی شرق

جاسوسی و استعمارگری و داشتن هدف غیرعلمی در مطالعات خویش متهمن شده اند (داوری اردکانی، ۱۳۵۷، ص ۴۷).

### تاریخچه

بعد از انقلاب صنعتی و به کار افتادن ماشینهای صنعتی اروپایی، نیاز آنها به مواد اولیه و بازار کشورهای عقب مانده (از جمله کشورهای شرقی)، باعث شد که متدرجًا خاورشناصی سیاسی در اروپا بروز نموده و اهمیت زیادی پیدا کند. شاید مهمترین سند در این باره کتاب انگلیسی‌ها در ایران از سردنیس رایت باشد که در بخشی از کتاب به خطر حمله ناپلئون به هندوستان و نفوذ او به کشورهای همسایه می‌نویسد و این که انگلیسیها از خوب برخاستند و بفکر چاره برآمدند که هیچ کس به اندازه سرجان ملکم<sup>۳</sup> آگاه نبود (رایت، ۱۳۵۹، ص ۷۴).

جان ملکم<sup>۴</sup> کتاب تاریخ ایران را نوشت. او سه باره دربار فتحعلی شاه قاجار آمد و به نفع انگلستان قراردادهایی به امضا رساند (شمیم، ۱۳۷۶، ص ۷۱). جیمز موریه<sup>۵</sup> و برادران اویلی (سرگورو و بیلیام)<sup>۶</sup> که در ماه مارس ۱۸۱۱م. ۱۲۲۶ق. وارد بندر بوشهر شدند، با گروه خود طبق دستور در راه آمدن به تهران به تجسس پرداختند و یکی از اعضا گروه به نام سرگرداستون<sup>۷</sup> غارشاپور و مجسمه شاپور را کشف کرد. دنیس رایت معتقد است که رالینسون<sup>۸</sup>، کاشف خط میخی و خواننده کتبیه‌های تخت جمشید که در سال ۱۸۳۳م. ۱۲۴۹ق. وارد ایران شد، توسط جان ملکم به این امر تشویق شده است. فریزر<sup>۹</sup> در سال ۱۸۳۳م. ۱۲۴۹ق. برای جاسوسی و به دستور پالمرستون<sup>۱۰</sup> به ایران آمد (رایت، ۱۳۵۹، ص ۱۷۵)

## دریی شهری

فصلنامه مدیریت شهری  
Urban Management  
شماره ۴۵ زمستان ۹۵  
No.45 Winter 2016

۳۷۶

3 Sir Jhon Malcolm

4 James Justinian Morier

5 Brothers Ouseley

6 Aston

7 Sir Henry Rawlinson

8 Sir James George Frazer

9 Lord Palmerston

# مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری  
Urban Management  
شماره ۴۵ زمستان ۹۵  
No.45 winter 2016

۳۷۷

اصلت و دقت علمی بیشتری برخوردار بود و ایرانیان  
فاقد اسلوب خودرا نیازمندیافته های شرق شناسان  
می دانستند. آنها ضمن استفاده از این پژوهشها  
تحت تاثیر مبادی فکری و نگرش آنان به تاریخ شرق  
و اسلام و ایران قرار می گرفتند.

## نظریه استعمار و پسا استعمار

مطالعات پسا استعماری با اتکا به نظریه فوکو  
درباره گفتمان، نظریه گرامشی درباره هژمونی  
ونظریه شالوده شکنی بر نقشمنون ادبی و غیرادبی  
در فرایند استعمار متمرکز می شود. مطالعات پسا  
استعماری به این موضوع می پردازد که این متون  
چگونه برتری استعمارگر (عموماً مذکور)، و فروتری  
استعمارزده (عموماً مونث) را ساخته اند و از این  
طریق به استعمار مشروعیت بخشیده اند. مطالعات  
پسا استعماری به ویژه به رویکردهای مربوط به  
مقاومت در نزد استعمارزده توجه دارد و می کوشد به  
یاری دیدگاه های لاکان درباره شکل گیری هویت،  
ماهیت رویارویی میان استعمارگر و استعمارزده را  
تبیین کند (برتنس، ۱۳۸۴، ص ۲۴۷).

به نظر سعید، بازنمایی هایی که غرب از مشرق  
زمین ارائه کرده، آگاهانه یا نا آگاهانه، عمدی یا غیر  
عمدی، همیشه با عملکردهای قدرت غربی همدست  
شده؛ حتی شرق شناسانی که آشکارا با شرقیان و  
فرهنگ شرقی همدم بوده اند، نمی توانند بر دیدگاه  
اروپا محور خود فایق آیند و ناخواسته با سلطه غرب  
همدست می شوند (همان، ۱۳۸۴، ص ۲۳۵). از سوی  
دیگر حقارتی که شرق شناسی به شرق نسبت می  
دهد هم‌زمان به شکل گیری برتری غرب نیز خدمت  
می کند. احساسات، نابخردی، بدويت و استبداد

شناسان دانشگاهی و سیاستمداران استعمارگر بود (همان، ۱۳۷۷، ص ۲۱).

نژادپرستی در غرب از جایگاه ویژه ای برخوردار بود. هوستان استوارت چمبرلین<sup>۱۰</sup> در سال ۱۸۹۹م. کتاب مبانی قرن نوزدهم را برایه برتری نژاد آریا منتشر کرد. مدیسن گرانت<sup>۱۱</sup>، نویسنده آمریکایی، در کتابش انحطاط نژاد بزرگ، موفقیت تمدن را به شاخه ای از آریایی ها به نام نوردیک نسبت داده که از شمال آمده اند و تمدن های هند و ایران و یونان و روم را به وجود آورده اند (دورانت، ۱۳۶۸، ص ۱۸۵ و ۱۸۶). اسطوره آریایی بر تفکرات تاریخی و فرهنگی شرق شناسان حاکمیت داشت و کسانی چون گوبینو<sup>۱۲</sup>، ارنسترنان<sup>۱۳</sup>، هامبولت<sup>۱۴</sup>، بورنف<sup>۱۵</sup>، پاسمر<sup>۱۶</sup>، و بسیاری از دیگر شرق شناسان دنباله رو چنین دیدگاهی بودند (سعید، ۱۳۷۱، ص ۱۸۲).

ادوارد سعید که شرق شناسی را یک دانش سیاسی می داند که بر مشرق زمین تحمیل شده و دارای روابط بسیار نزدیکی با موسسات و نهادهای توامند اقتصادی، اجتماعی و سیاسی اروپاست، این نحوه نگرش بر تمدن های باستانی شرق و مقایسه بین دو دوره تمدن باستانی و اسلامی را دارای کاربرد سیاسی می داند و معتقد است که از اهداف شرق شناسی در آسیا «برگرداندن یک منطقه از حالت توحش و بربریت فعلی (که نتیجه تسلط اسلام بود) به عظمت کلاسیک گذشته اش و آموزش و تعلیم شرق به ( تنها) الکوی غرب مدرن (که باید مورد تقلید همه جانبه شرق قرار گیرد) بود» (همان، ص ۲۲).

تحقیقات شرق شناسان به علت در اختیار داشتن متدهای جدید پژوهش و ابزارهای فنی و نظری آن از

10 Chamberlain

11 Madison Grant

12 Joseph Arthur de Gubineau

Ernest Renan

13 Hamboldt

14 Boornf

15 Pasmoor

قصیری طلایی بسازند و آنها را تشویق کنند تا اعراب نژاد پست و اسلام موهوم را فراموش کرده و به این دوران رجوع کنند.

**میراث باستانی ایران و ایران باستانی**  
در تاریخ نگاری هنر ایران با تکیه بر دستاوردهای باستان شناسی و آثار تاریخی موجود، تاریخ هنر باستان یعنی تا پایان دوره حکومت ساسانیان و از هنر دوره اسلامی یعنی آغاز ورود اعراب به ایران و مسلمان شدن ایرانیان تکیک و گاه یکی را بر دیگری ترجیح می دهند. از آنجلمه در کتاب ریچارد نلسون فرای با عنوان «میراث باستانی ایران»، در فصل ششم و هفتم، به پادشاهی ساسانیان با عنوان جانشینان هخامنشیان و حمله اعراب با عنوان افتادن ایران به دست مسلمانان می پردازد(فرای، ۱۳۷۷، صص ۳۳۱-۴۱). فصل ششم در کتاب فرای با این تیترها بخش بندی شده: اردشیر و دوران تاریخی، امپریالیسم شاپور، جنبش‌های کفرآمیز و دستگاه روحانی، روزگار سربلندی ایران. این فصل با این جمله آغاز می شود: تاریخ درست ایران از نظر ایرانیان از ساسانیان آغاز می شود (همان، ص ۳۳۳، خط اول از پارagraf اول) که البته منظور خود را از به کار بردن عباراتی چون تاریخ درست و ایرانیان بیان نمی کند. وی دوران پادشاهی ایران، پیش از ورود اعراب را، اساطیر و افسانه می دارد و پادشاهی پیش از اردشیر را جزو دوران پهلوانی به حساب آورده (همان، ص ۳۳۳، پاراگراف اول) و اساساً تاریخ تاجگذاری شاپور، اردشیر و آغاز کار ساسانیان را نامشخص و درهاله‌ای از ابهام می پنداشد (همان، ص ۳۳۶، پاراگراف دوم).

به نظرمی رسد ریچارد نلسون فرای از نظریات فلاسفه تاریخ جوهری یا نظری استفاده کرده و یا اساساً به این نوع تاریخ و تاریخ نگاری معتقد است (نوذری، ۱۳۹۲، ص ۲۴) و از تقسیم بندی فیلسوف تاریخ جوهری همچون جیامباتیستا ویکو<sup>۱۷</sup>

شرق، غرب را به گونه ای می سازد که عقلانی، پیشرو و دموکراتیک جلوه کند. غرب همواره در مرکز قرار دارد و شرق یک دیگری حاشیه ای محسوب می شود برتری غرب تحکیم می شود. دیدگاه پسا استعماری به مفهوم عام کلمه، حاشیه نگراست در توجیهات مدرنیته- پیشرفت، همگنی، ملت بزرگ و گذشته پریبار تاریخی- تردید می کند. به عقیده هومی بابا، مدرنیته به وسیله همین توجیهات، اهداف سلطه جویانه و یکدست کننده خود در فرهنگ های دیگر را به نام منافع ملی موجه جلوه داده است (همان، ۱۳۸۴، صص ۲۴۷-۲۳۲).

فوکو در این باره می گوید: «مهمترین ایرادی که شاید بتوان بر ناسیونالیسم ایرانی گرفت، ندیده گرفتن دین و فرهنگ و قومیت های گوناگون جامعه کنونی ایرانی بود. در حالی که در جامعه ایرانی از عصر صفوی به بعد بنیاد اساسی آگاهی ملی را مذهب شیعه می ساخت» (فوکو، ۱۳۷۷، ص ۲). جنبه استعماری و استثماری شرق شناسی، باعث گسترش هویت دینی و ملی در ایرانیان شد. این دسته از شرق شناسان براین باور بودند که اسلام دینی خشک و دیکتاتوری است و نژاد سامی نسبت به نژاد ایرانی، که آریایی است، پست تر است و نفوذ این هردو به ایران باعث سقوط ایران و ایرانی شده است و چون اروپاییان علوم و فنون را در اختیار خود دارند اگر ایرانیها از آنها پیروی کنند می توانند مجد و عظمت خود را که در زمان باستان وجود داشته باز پس گیرند. کشفیات باستان شناسی و تاریخی ایران به ویژه خواندن خط میخی و کتیبه های تخت جمشید و مصادف شدن نفوذ ناسیونالیسم در ایران با این اتفاقات، دلیلی شد برآنکه این شرق- باستانشناسان غربی که اکثراً نژاد پرست و مخالف دین (سکولار) بودند، از دوران باستان برای ایرانیان که اکنون باور داشتند عقب مانده اند،

# مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری  
Urban Management  
شماره ۴۵ زمستان ۹۵  
No.45 winter 2016

۳۷۹

کند(همان، حواشی، ص ۴۵۳، شماره ۸). بخش هنر ساسانیان در عنوان آخر(روزگار سربلندی ایران) و در یک پاراگراف تقریباً نوزده خطی جا داده شده(همان، پاراگراف اول). در سه خط اول می خواهیم: هنر ساسانی را می توان نقطه اوج یک هزار سال پیشرفت هنری دانست. می توان عناصر هنری یونان و روم و هنر شرقی کهن و ایران خالص مانند نقشهای شاه بر پشت اسب را که از ابتكارهای دوران ساسانی است از هم باز شناخت(همان، سه خط اول:پاراگراف اول). تقریباً از اولین صفحات فصل ششم کتاب میراث ایران باستان، فرای جا به جا به کتیبه کعبه زرتشت اشاره می کند(همان، ص ۳۶۰ - ۳۳۶). در صورتی که نه تصویر درستی از این کتیبه به دست می دهد و نه ارزش هنری و فرهنگی آن را برمی شمرد و این در حالی است که کتیبه کعبه زرتشت از جمله آثار ادبی اوایل ساسانی است. در محل نقش رستم فارس قرار دارد و روی مقابر نقش رستم که متعلق به دوره هخامنشی است واقع شده و با کوه فاصله ای ۵۵ کیلومتری دارد. در زمان پس از این با توجه به تقدس مکان نقش رستم برای قوم پارس نژاد، در قسمت پایین بدنه های شمالی و شرقی و جنوبی این بنا در دوره شاپور اول ساسانی کتیبه بزرگی مربوط به فتوحات او و بعداً هم از اقدامات کرتیمرفسر اوستا به زبان پهلوی ساسانی و اشکانی و خط یونانی آمده است(سرفراز، فیروزمندی، ۱۳۷۳، ص ۳۶۶: پاراگراف دوم و سوم). برای فلز کاری، ابریشم سازی، مهرها، معماری و...، فرای می توانست حدائق به این موارد اشاره ای تیتروار داشته باشد: معماری: کاخ اردشیر اول(۲۴۱-۲۲۴م) در فیروزآباد، کاخ عمارت خسرو در قصر شیرین، کاخ تیسفون، کاخ بیشاپور و... (پرداد، دایسون، ویلکینسون: ۱۳۵۶: فصل پانزدهم، هنر ساسانی، ص ۲۸۰ - ۲۸۶).

نقوش برجسته: نقش برجسته صخره ای در نقش رستم، شاهی یافتن اردشیر اول، نقش برجسته صخره ای پیروزی شاپور اول(۲۷۲-۲۴۱م) بر دو امپراتور رومی و نبرد سواره از بهرام دوم(۲۹۳-۲۷۶م) در نقش

استفاده کرده است. به عقیده او به دلیل شکستهای سختی که رومیان و کوشانیان از دودمانی ساسانی خوردند، ناسیونالیسم و امپریالیسم ایرانی به وجود آمد و کتیبه زرتشت اگرچه در مردم زمان پادشاهی ساسانیان اطلاعات دقیق و خوانایی ندارد؛ اما در این مورد کامل و دقیق است و چون پیروزیهای دیگر شاپور در این کتیبه نیامده محققانی (که البته از آنها نام برده نشده) آنها را منکرشده ند(فرای، ۱۳۷۷، ص ۳۴۱).

در زمینه قلمروهایی که این پادشاه داشته، به کتیبه کرتیر مراجعه کرده و می گوید چون ارمنستان، گرجستان، آلبانی، بلاساغون و ... توسط شاپور فتح شده و از پدرنش ب او نرسیده و بازور گرفته شده، جزو سرزمین ایران نبوده و بیرون از ایران محسوب می شده اند(همان، ص ۳۴۶). فرای در کتابش برای تعبیر و تفسیرهای خود در بخش امپریالیسم شاپور از کتیبه های کعبه زرتشت، کرتیر، کازرون، پایقلی و کتیبه دوزبانه حاجی آباد شاپور استفاده کرده است(همان، ص ۳۴۱ - ۳۶۰). او این آثار هنری و فرهنگی را همچون کتاب تاریخ می بیند که به خصوص در برخی موارد که به تاریخ تاجگذاری و یا قلمرو حکومتی مربوط می شود، پر از ناخوانایی و اغتشاش است.

در جایی دیگر فرای به کتیبه دو زبانه فارسی میانه پارتیان و ساسانیان بر سرتوانی در بیشاپور اشاره می کند که گرچه بحث اصلی او برای شاهد آوردن کتیبه شاپور تعیین زمان پادشاهی پارتیان و پارسیان در ایران زمین است اما برای بررسی القاب به نام سه شاه بانو در این کتیبه می رسد که یکی مادر و دیگری مادر بزرگ و سومی را خواهر یا بانوی بانوان می نامد(همان، ص ۳۳۸ - ۳۳۶). در توضیحات فصل ششم در انتهای کتاب ذیل شماره ۸، ضمن بررسی نام ها و القاب به مبحث ازدواج با محارم بر می خوریم که فرای معتقد است آیینی هلنی است که در نزد بطلمیوسیان رواج داشته و در ایران نیز متداول بوده و در آیین زرتشتی هم پذیرفته شده ولی هیچ مدرکی دال بر اثبات وجود این رسم ذکر نمی

رستم، نقش برجسته شکار بر دیوار طرف راست ایوان اصلی تاق بستان در دوره فرمانروایی خسرو دوم (۶۲۸-۵۹۰)، نقش برجسته پادشاه زره پوش سوار بر اسب بر دیوار انتهایی طاق بستان در دوران فرمانروایی خسرو دوم (۶۲۸-۵۹۰) و ... (همان: فصل پانزدهم، هنر ساسانی، صص ۲۹۳-۳۰۴).

**گچ بری:** گچ بری ساسانی با نقش روزت از بیشاپور و تیسفون، گچ بری ساسانی از ام زعتر نزدیک تیسفون (که امروزه آرم دانشگاه تهران است)، گچ بری ساسانی با سر گراز از دامغان، نقش برجسته به روشن گچ بری به شکل دو بز کوهی در دوسوی درخت مو و ... (همان: فصل پانزدهم، هنر ساسانی، صص ۳۰۵-۳۰۹).

**فلزکاری:** جام شکار ساسانی که پیروز شاه (۴۸۴-۴۵۷) را در حال شکار قوچ نشان می دهد، جام نقره ای با نقش خسرو انشیروان در میان شخصیتهای درباری، جام نقره ای با نقش شاهی که کلاه خودی از شاخ قوچ برسر نهاده، تنگ نقره ای با شیرهای متقطع و ... (همان: فصل پانزدهم، هنر ساسانی، صص ۳۱۸-۳۱۰).

**مهرها:** مهر ساسانی از عقیق با نقش نیم تنه مرد، مهر عقیق سلیمانی با نقش اسب بالدار، مهر عقیق بی رنگ با نقش دستی که غنچه ای رانگاه داشته، مهر عقیق خاکستری کروی شکل با نقشی انتزاعی از قوچ، مهر سنگ لاجورد با نقش حروف رمز و ... (همان: فصل پانزدهم، هنر ساسانی، صص ۳۱۸-۳۲۲).

**پارچه های ابریشمی:** پارچه ابریشم ساسانی با نقش سر گراز که احتمالاً به عنوان پشتیبان برای یک جنگجو بافته شده، پارچه های ابریشمین با نقوش گیاهی، جانوری، هندسی به صورت پراکنده یا در ردیف ها درون چهار گوشه یا دایره، طرح های مرغان و پرندگان، طوطی یا عقاب و البته نقش معروف سگ-پرنده یا سیمیرغ در زمینه آبی تیره و به رنگهای سفید، قرمز ارغوانی، سبز ملایم و زرد و ... (همان: فصل پانزدهم، هنر ساسانی، صص ۳۲۲-۳۲۶).

اما هیچ نمونه ای در کتاب فرای ذکر نشده. فرای زمان پس از پادشاهی خسرو پرویز را نیرومندترین دوران پادشاهی ساسانی می داند اما همین زمان هم، از ابتکار و خلاقیت خالی است (فرای، ۱۳۷۷: ۱؛ روزگار سریلندي ايران، صص ۳۷۱-۳۷۲).

و در نهایت فصل شش با این جمله ها پایان می پذیرد: چشم داشتن به سودهای شخصی و محلی و خودپرستی مفرط ایرانیان هم مایه بلا و هم سبب سریلندي ايران شد ولی همین شکستها مردم ايران را بیش از وضع و شیوه سیاسی و دینی موجود در انها با هم پیوند داد (همان، ص ۳۷۲) که البته متوجه منظور او از پیوند مردم ايران با هم بر اثر شکستها بیش از وضع و شیوه دینی و سیاسی موجود نمی شویم. به نظر می رسد از دید ریچارد نلسون فرای، دوران مجد و عظمت ايران و ايرانی در همان دوران باستان به خاک سپرده شده و حتی دیگر از آن نسل اسطوره ای شکوهمند اثری در بین ایرانیان امروز یافت نمی شود و آنها تنها نام آریا را با ذکر نام سرزینشان، ايران، یدک می کشند.

### تاریخ ایران باستان

#### ایران در دوره ساسانیان

اغتشاش و به هم ریختگی کار فرای و نیاوردن نمونه و منبع و دلیل برای اظهار نظرها، در کتاب پیرنیا به چشم نمی خورد. فصل اول این کتاب شاهان ساسانی و جنگ های مهم آنها را معرفی می کند (جنگ نهاآند و حمله اعراب هم در همین بخش معرفی می شود) (پیرنیا، ۱۳۷۵، صص ۲۷۲۷-۲۷۳۰).

فصل دوم تمدن ايران در دوره ساسانی است که به این مسایل می پردازد: حدود جغرافیایی- قلمرو حکومت (همان، صص ۲۸۳۳-۲۸۳۵)؛ مبحث دوم به شاه و دربار، طبقات تشکیلات اداری و دولتی، روحانیون، مسکوکات، حرفت و تجارت و روابط خارجه (همان، صص ۲۸۳۶-۲۸۷۷)؛ مبحث سوم به خانواده در دوره ساسانی (همان، صص ۲۸۷۸-۲۸۸۱)؛ مبحث چهارم، مذاهب در دوره ساسانی (همان، صص ۲۸۸۲-۲۸۹۳)؛ مبحث پنجم، اخلاق- مجازات ها

را در بخش فرهنگ و هنر ساسانی جای داده است.<sup>18</sup> از نظر پیر نیا حمله اعراب نتوانسته نژاد و نبوغ ایرانی را از بین ببرد. اگرچه او هم به عنوان یک باستانگرا دید مثبتی به این واقعه ندارد اما در نقطه مقابل فرای، همچنان ایرانی را در مجد و عظمت می بیند و او را از بسیاری از مردمانی که به تمامی تسلیم اعراب شدن، جدا می انگارد.

**گفتمان قدرت و میراث باستانی ایران**  
فوکو، اصطلاح آرایش گفتمانی<sup>۱۹</sup> را برای اشاره به پیوستگی‌ها و دسته بندی‌های انواع خاصی از گزاره<sup>۲۰</sup>‌ها به کار می‌برد؛ گزاره‌هایی که اغلب با برخی نهادها و پایگاه‌های قدرت پیوند دارند و بر افراد و شیوه اندیشیدن آنها تاثیر می‌گذارند. بنابراین گفتمان‌ها را باید مجموعه گزاره‌هایی به شمار آورده که با نهادها پیوند خورده‌اند، به یک معناداری اعتبارند و در سطحی بنیادی نوعی وحدت کارکردی دارند. آنها گزاره‌های دیگری را باز تولید می‌کنند که با پیش فرض‌های بنیادین خودشان سازگارند. گفتمان‌ها، همواره گزاره‌های متعارضی را در بر می‌گیرند بنابراین، پیوسته و ثابت نیستند و دائمآ مستخوش تغییرند. فوکو در مجموعه مقالاتی با عنوان قدرت دانش<sup>(۱۹۸۰)</sup> نشان می‌دهد که چگونه برای ثبت شدن چیزی به عنوان امر واقع یا امروزست، گزاره‌های دیگری به همان اندازه معتبر باید بی اعتبار شده و کنار گذاشته شوند. او معتقد است که قدرت دانش واقعیت‌ها را تولید می‌کند، پس برخلاف تصویرهای دانش، امری بی طرف نیست، بلکه یکی از عناصر مهم در مبارزه برسر قدرت به شمار می‌آید. هرآن که در گیر تولید دانش است مدعی قدرت نیز هست<sup>(همان، ۱۳۸۹، ص ۱۱۷-۱۰۹)</sup>. نظریه‌های پسااستعماری نیز پیوسته هم از کار فوکو سود برده‌اند و هم نسبت به آن

(همان، صص ۲۹۱۷-۲۹۱۲)؛ مبحث ششم معارف و فنون زبان کتب پهلوی، ادبیات، خط و تاریخ (همان، صص ۲۹۲۹-۲۹۱۸)؛ مبحث هفتم، صنایع مستظرفه در دوره ساسانی (که در واقع بخش معرفی هنر دوره ساسانی است و در آن معماری و حجاری، کتیبه‌ها، شعر، نقاشی و موسیقی در این دوره معرفی می‌شوند) (همان، صص ۲۹۴۳-۲۹۳۰) که اصل تمرکز در این نوشتار بر این بخش خواهد بود. در فصل سوم مقایسه دولت ساسانی با دولت‌های قبل از آن، جهات اقراض آن به بحث گذاشته شده (همان، صص ۲۹۷۸-۲۹۴۴). در انتهای کتاب خاتمه و ضمایم ۱ و ۲ را داریم که معرفی جغرافیا و سلسله‌های شاهان ایرانی، اسامی آنها و وقایع مهم دوره‌های سلطنتی‌شان را به نمایش گذاشته است (همان، صص ۲۹۷۸-۲۹۱۸). در مبحث هفتم از فصل دوم تاریخ ایران باستان پیرنیا، ذیل صنایع مستظرفه در دوره ساسانی، ابتدا به معماری و حجاری و سپس به کتیبه‌های ساسانی می‌رسیم (همان، صص ۲۹۳۰-۲۹۳۸). در بخش معماری و حجاری با تقسیم بندی اول و دوم و... تا دهم، طاق بستان، قصر شیرین، طاق کسری، طاق ایوان، نقش رستم، پلهای دزفول و شوشتر، نقش رجب‌شاپور، عمارت فیروزآباد و بنای سروستان، شرح داده می‌شود (همان، صص ۲۹۳۰-۲۹۳۵). در بخش کتیبه‌های ساسانی ذیل شماره ۲ و تقسیم بندی اول و دوم و... تا هشتم، چهار کتیبه در نقش رستم، سه کتیبه در نقش رجب، حاجی آباد، طاق بستان، دره شاپور، سرمشهد، پایکولی و دو کتیبه در تخت جمشید از شاپور دوم معرفی می‌شوند (پیرنیا، ۱۳۷۵، صص ۲۹۳۶-۲۹۳۸). پیرنیا، اگرچه در بخش‌های دیگر از متن کتیبه‌ها به عنوان دلایل تاریخی استفاده کرده اما بر عکس فرای به این کتیبه‌ها تنها به چشم کتاب تاریخ ننگریسته و آنها

18 Discursive formation

19 enounce

20 Edward Said

21 Homi.k.Bhabha

22 Anne McClintock

چیزی که رخدادها و شکل‌های جدیدی از رفتار را به وجود می‌آورد. او استدلال می‌کند که: اگر قدرت چیزی جزیک نیروی سرکوبگرنباشد و کاری جز نه گفتن نداشته باشد در این صورت فکر می‌کنید ما از آن اطاعت می‌کنیم؟ بنابراین، جدای از سرکوبی باید چیزی در قدرت باشد که مردم را به تطبیق دادن خود با وضعیت قدرت سوق دهد. البته قدرت همواره با مبارزه روبرو است و به نحوی از آن نیرو می‌گیرد. فوکو در سوژه و قدرت به مبارزات اقتدار ستیزانه می‌پردازد. مبارزاتی که او آنها را محلی و بی‌واسطه می‌خواند مثل سلطه مردان بر زنان، سلطه پدر و مادر بر فرزند، سلطه زمام داران بر شیوه زندگی مردم و ...، او هدف اصلی این دسته از مبارزات راحمله به این یا آن نهاد قدرت نمی‌داند، آنچه آماج حمله این مبارزات است، روشی از قدرت یا شکلی از قدرت است (میلز، ۱۳۸۹، صص ۵۶-۶۷).

این شکل قدرت خودش را بر زندگی روزمره و بلاواسطه‌ای که به فرد هویت‌می‌بخشد، اعمال می‌کند، وی را بانشان فردیت خاص خودش مشخص می‌سازد، اورابه هویت خودش می‌پیوندد، قانون حقیقتی بر وی تحمیل می‌کند که خود او باید آنرا تصدیق کند و دیگران هم باید آن را در وجود او باز شناسند (به نوعی یک هژمونی) این قدرت نوعی از قدرت است که افراد را به سوژه<sup>۳</sup> تبدیل می‌کند. واژه سوژه دو معنی دارد: یکی به معنی منقادیگری بودن به موجب کنترل و وابستگی و دیگری به معنی مقید به هویت خود بودن به واسطه آگاهی یا خوشناسی. هردو معنی حاکی از وجود نوعی قدرت هستند که منقاد و مسخر کننده است. به طور کلی می‌توان گفت که سه نوع مبارزه وجود دارد: این مبارزات یا علیه اشکال سلطه‌اند (اشکال قومی، اجتماعی، مذهبی) یا بر علیه اشکال استثماراند که فرد را به خودش مقید می‌کند، جدا می‌سازد و یا علیه چیزی هستند که فرد

<sup>3</sup> سوژگی subjectivity

# میری شهری

فصلنامه مدیریت شهری  
Urban Management  
شماره ۴۵ زمستان ۹۵  
No.45 winter 2016

۳۸۳

آن هم مغشوش، ناخوانا و در نهایت اسطوره و افسانه است. رمان گریشمن معتقد است که هنر شرقی است. «... این هنر وظیفه عامل میانجی رابازی می کند و ارزش‌های غربی را منتقل می‌سازد...» و «... هنر ساسانی... هلنیسم را پذیرفته بود ولی در ضمن ترجمان نیرومند قرینه سازی و شکل‌های تزئینی بود. از این رو کوشش داشت رئالیسم هنری را با ابتكارات تزئینی هماهنگ سازد. ... و این ترکیبات تجریدی هنر اسلامی را فراهم می‌کرد. ». (گیرشمن، ۱۳۷۰، صص ۲۹۹-۲۸۳).

اما باستانگرایی چون حسن پیرنیا، آگاهانه و یا ناآگاهانه نمی‌خواهد تسلیم چنین برداشتی شود. او گرچه باستانگرایی است که می‌خواهد دوران مجدو عظمت ایران را بازنمایی و ایرانیان را از آن آگاه سازد اما به هیچ‌روی آثار فرهنگی و هنر ایران باستان را همانند کتاب تاریخ مرور نمی‌کند. اغتشاشی که نشود به نتیجه ای بارز و مبرهن رسید در آنها نمی‌بیند و پادشاهی باستانی ایران را حقیقتی می‌داند که صرفاً اسطوره و افسانه نیست و با دسته بندی درست و مشخص از آثار فرهنگی و هنری ایران باستان (که برای هر پادشاهی، در مجلدی جداگانه ارایه شده است) تفکر والا و استادی هنری ایرانیان را (حتی اگر بخششایی از آن تقليد و برداشت از دیگر فرهنگها بوده باشد) به نمایش می‌گذارد. به عبارت دیگر، باستانگرایی جدید فضای مربوط به زمان گذشته را بازآفرینی می‌کند و ایدئولوژی جدیدی می‌سازد تا به اهداف معینی برسد از جمله: ۱- کم رنگ کردن و کنارزدن فرهنگ و مذهب کنونی جامعه به عنوان عامل عقب ماندگی و جایگزینی یک فرهنگ جدید و ۲- تفکیک قاطع دو دوره از تاریخ ایران، یعنی تاریخ باستان و تاریخ اسلامی. دیدگاه دوم، ایران باستانی را در اوج درخشش و عظمت قرارمیدهد و آن را می‌ستاید. در مقابل، ایران دوره اسلامی، ایرانی است عقب مانده، منحطف و بدخت که این فاجعه تنها و تنها به دلیل حمله اعراب و افتادن ایران به دست آنها به وجود آمده (بیگدلو، ۱۳۸۰، ص ۲۰).

را به خودش مقید می‌کند و بین شیوه وی را تسلیم دیگران می‌سازد (مبارزات علیه انقیاد، علیه اشکال سوزه شدگی و تسلیم) (دریفوس و رابینو، ۱۳۹۱، ص ۳۴۸).

موضوع تاریخنگاری ایران باستان همواره گرفتار قضاوت های ارزش داورانه بوده است. برخی از صاحب نظران سعی می‌کنند ایران باستان را از هر حیث کم اهمیت جلوه دهند و برخی معتقد به شکوه و عظمت فرهنگ و تمدن ایرانی عهد باستان هستند (حضرتی، ۱۳۸۹، ص ۳۵). گفتمان اقتدار و پیشرفت فرهنگی و هنری ایران قبل از ورود اعراب از تلاقي قدرت در قالب پذیرش عقب ماندگی فرهنگی و هنری پس از حمله اعراب به ایران و شکوه و جلال فرهنگ و هنر پیش از آن با دانش باستانشناسی که معرفی این شکوه و جلال از طریق علمی است، ایجاد می‌شود.

نیروی مولد این قدرت، شرق شناسی و نیروی مبارز آن باستانگرایی است. چنانچه بخشی از دوکتاب میراث باستانی ایران و تاریخ ایران باستان (به ترتیب نوشته شرق شناس آمریکایی، ریچارد نلسون فرای، و باستانگرای ایرانی، حسن پیرنیا) در نظر گرفته شود (حکومت ساسانیان و حمله اعراب به ایران) می‌توان نتیجه گرفت که طبق نظر فوکو، قدرت که البته مولد است (و همواره سرکوبگر نیست و اگر بود ما از آن پیروی نمی‌کردیم و خود را با آن تطبیق نمی‌دادیم) از طریق مبارزه زنده می‌ماند و شکلی از قدرت که آماج مبارزه است، بر زندگی روزمره و بلاواسطه ای که به فرد هویت می‌بخشد، اعمال می‌شود. این قدرت که نوعی هژمونی ایجاد می‌کند افراد را به سوزه تبدیل می‌کند. از سه نوع مبارزه ای که فوکو ذکر می‌کند، یعنی علیه سلطه، علیه استثمار و علیه تسلیم شدن، فرای از اهداف شرق شناسی که دیدی نژاد پرستانه دارند پیروی می‌کند و بیشتر آثار فرهنگی و هنری ایران باستان را تقلیدیاز اقوام اروپایی می‌انگارد و کتیبه ها و حجاریهای این دوره را به حساب کتاب تاریخ می‌گذارد که البته

مانعی برای پیشرفت فرهنگ و هنر ایران نبوده بلکه به شکوفایی آن نیز کمک شایانی کرده است. باستانگرایی در ایران این برداشت را زیر سوال برد و چون در فرهنگ و هنر ایران ریشه های تاریخی دارد، در تلاقی با برداشت های شرق شناسی، هویت ملی و تعریف از فرهنگ، این مساله را تحت الشاع قرار داده است. هنر و فرهنگ ساسانی با فتوحات عرب یکسره به سر نیامد، بلکه طرحهای معماری، سبک های هنری و مضامین هنرهای تزیینی و فلزکاری و نساجی و شیشه سازی و جواهر کاری به تدریج به دست هنرمندان مسلمان ایرانی افتاد. سنت ادبی ساسانیان نیز به دوران اسلامی رسید. در نظر باستانگرایان ایرانی و شرق شناسان آمریکایی، دوره حکومت ساسانیان به عنوان آخرین دوره پادشاهی باستانی ایران و قبل از حمله اعراب، عصر طلایی و نوستالژیک مجدو عظمت ایران است که پس از آن هرگز تکرار نشد. این تفکر هسته گفتمانی را تشکیل می دهد که از تلاقی نیرو و قدرت گذشته با شکوه پادشاهی و دانش باستانشناسی شکل گرفته است. گفتمان اقتدار و پیشرفت فرهنگی و هنری ایران قبل از اسلام. گفتمان پژوهی به ویژه با نظریه های پساختارگرایانه و شالوده شکنانه فوکو و دریدا و شیوه واسازی گزاره ها و نمایش یا به نوعی پرده برداری از قدرت حاکم در گفتمان مذکور و نشان دادن حواشی این مرکز، می تواند موقعیت، جایگاه، داشته ها و نداشته های هویت و فرهنگ ایرانی بر حسب و از طریق تاریخ هنر این مرسوم بوم آشکار کند. قدرت مذکور که طبق تعریف فوکو باید مولد باشد تا پذیرفته شود و مورد مخالفت قرار نگیرد(که میزان پذیرش آن حتی هم اکنون هم کم نیست). توسط شرق شناسان غربی به این راه یافت تا بتوانند با دست آویز توجیه علمی، با عنوان دانش باستانشناسی، آن رانه تنها در ذهن که حتی در دل شرقیها و به طور مشخص در این مقوله ایرانیان، جا کنند. اما این روند به تولید گفتمان دیگری شکل داد که هسته مرکزی آن پذیرش این حقیقت بود که عباس اقبال آشتیانی می گوید: «... سپاهیان ایران با این که به خوبی جنگیدند و مقاومت به خرج دادند، از یک طرف به علت پیوستن جمعی از ایشان به عرب و از طرفی دیگر بر اثر بدختیهای چند از جمله وزیدن بادی سخت و افساندن غباری دیده دوز بر آن جمع شکست یافتند و رستم در واقعه کشته شد و سپاهیانش به طرف مدائین پراکنده گردیدند. .» (آشتیانی، ۱۳۸۹، ص ۵۳) و یوزف ویسهوفر در این رابطه می گوید: «... از آن جا که مردم ایران خودآگاهی تاریخی خود را در آغاز دوره اسلامی از دست نداده بودند... چون تاریخ ایران از سیاری لاحاظ به تاریخ اعراب درآمیخته و در هم تنیده شده بود، ایرانیان در کوشش خود برای جوش دادن تاریخ پیش از اسلام خویش طرحی را از آغاز اسطوره ای تا زمان سقوط ساسانیان با تاریخ رستگاری بشر که قرآن بشارت دهنده آن بود... تکمیل و ترویج کرندن. .» (ویسهوفر، ۱۳۷۷، ص ۲۷۸) و دکتر عبدالحسین زرین کوب چنین روایت می کند که «سقوط ساسانیان البته از ضربت عرب بود لیکن در واقع از نیروی عرب نبود. چیزی که مخصوصاً آن را از پا درآورد غلبه ضعف و فساد بود. می توان گفت مقارن هجوم عرب، ایران خود از پای درآمده بود و شقاق و نفاق بین طبقات و اختلافات باعث شد بی آن که معجزه ای لازم باشد آن را از پای در آورد. .» (زرین کوب، ۱۳۸۹، ص ۱۵۸).

بنابراین می توان گفت اگرچه این دو کتاب(تاریخ ایران باستان و میراث باستانی ایران) در زمان نوشته شدن و از لحاظ نویسنده‌گانشان هیچ ربطی به هم ندارند، اما حسن پیرنیا مبارزی است که علیه سوژه شدگی در برابر شرق شناسی چون ریجاراد فرای که قدرتی مولد است، قد علم می کند و البته او را قادرمندتر می سازد.

**نتیجه گیری و جمعبندی**

تاریخ هنر ایران می تواند با گفتمانی دیگر و از منظر فرهنگ و هنر و باورهای ایرانیان مجدد تعریف و حتی بازنویسی شود. اعتقادات مذهبی نه تنها

# میری شهری

فصلنامه مدیریت شهری  
Urban Management  
شماره ۴۵ زمستان ۹۵  
No.45 winter 2016

۳۸۵

مشیرالدوله زاده ۱۲۵۱ در تبریز - درگذشته ۲۹ آبان ۱۳۱۴ ش در تهران سیاستمدار، حقوقدان و تاریخ‌نگار ایرانی، و نخست وزیر ایران در اوآخر عهد قاجار بود. حسن پیرنیا در ده سال آخر عمر غالب به کارهای فرهنگی و علمی اشتغال داشت و آثار بالرتبه همچون مجموعه سه جلدی تاریخ ایران باستانو داستان‌های ایران قدیم و حقوق بین‌الملل را نوشت. کتاب تاریخ ایران باستان (در سه جلد) نخستین کتابی است که به شیوه علمی و بر اساس مستندات و کشفیات باستان‌شناسی درباره گذشته تاریخی ایران نگاشته شده و هنوز هم مورد توجه است.

پی‌نوشت

۱- دشواری فوکو: در تعابیر گوناگون، فوکو رافرزند نا خلف ساختگرایی، دیرینه‌شناسی فرهنگ غرب، پوج انگار و ویرانگر علوم اجتماعی رایج خوانده‌اند و بسیاری از شارحان آثار فوکو برآورده‌اند که نمی‌توان اندیشه او را در درون شاخه‌های علوم اجتماعی متداول طبقه‌بندی کرد ( بشیریه، ۱۳۷۸، ص ۱۳). حتی به صرف استناد به نوشه‌های موجود درباره فوکونیز می‌توان در یافت که با تعییری وام گرفته از خود او، فوکو موضوعی دشوار و مهار نشدنی می‌باشد ( کچویان، ۱۳۸۲، ص ۹). نگرش و موضوعات مورد بحث او در جامعه‌شناسی سیاسی، فلسفه، تاریخ و علوم سیاسی وجود اهمیت بسیاری هستند.

سه محور کلی در افکار فوکو: حقیقت، قدرت و خود یا به تعییری علم، سیاست و اخلاق. این سه محور، سه دوره تحول فکری فوکو را نشان می‌دهد ( همان: ۱۶ ) برای فوکو در محور اول ( علم یا حقیقت ) مسئله این است که در ک انسان معاصر از حقیقت و به طور مشخص علوم جدید چگونه شکل گرفته و به صورت کنونی درآمده است. در محور دوم فکری فوکو، درگ قدرت و سیاست در عصر حاضر و چگونگی نقش آفرینی آن در شکل دهنی به ما، تصویر ما از خود و چگونگی اعمال نقش آن در شکل دهنی به افرادی که در تعامل با ما قرار می‌گیرند، مورد توجه واقع می‌شود. در کنار علم و سیاست یا حقیقت و

مجدو عظمت یاد شده چه به صورت خاموش و چه بعض افعال در بین مردمان ایران زمین همچنان ادامه دارد و از بین نرفته است. این امر که به باستانگرایی منجر شد در واقع به صورت نیروی مبارزی درآمد که از نظر تقسیم بندی سه گانه فوکو ( مبارزه علیه سلطه، مبارزه علیه استثمار و مبارزه علیه مقید شدن به خود ) می‌تواند در هر سه جایگاه و بیشتر در جایگاه تسلیم قرار گیرد. ریچارد نلسون فرای قدرت مولدی است که می‌خواهد تمام شدن مجدو عظمت ایران و هوش و استعداد ایرانی را حداقل در زمینه فرهنگ و هنر به او یادآوری کند و اسطوره و افسانه بودن این دوره را به او بقولاند، اما حسن پیرنیا نیروی مبارزی است که نه تنها واقع شدن اتفاقات باستانی را باور دارد و به اثبات می‌رساند بلکه شانه‌های این مجدو عظمت و این استعداد و توانایی فرهنگی و هنری را همچنان در ایرانیان می‌بیند. هرچند که برای تحکیم این گفتمان ناچار به تسلیم در برابر باستانگرایی است. هدف آن است که بتوانیم در زمانه خود برداشتی هم کاربردی و هم معنوی از میراث با ارزش گذشتگانمان به دست آوریم و آنطور که شایسته است آن را به آیندگان بسپاریم.

\* ریچارد نلسون فرای Richard Nelson Frye زاده ۱۰ ژانویه ۱۹۲۰ در بیرمنگهام، آلاباما درگذشته ۲۷ مارس ۲۰۱۴ در بوستون، ماساچوست. او متخصص بر جسته ایران‌شناسی، شرق‌شناسو استاد بازنشسته دانشگاه هاروارد بود. او به زبان‌های فارسی، عربی، روسی، آلمانی، فرانسوی، پشتو، ازبک و ترکی‌سلط بود و با زبان‌های اوستایی، پهلوی و سغدی‌آشنا نیای کامل داشت. از میان کتاب‌های بسیاری که فرای درباره تمدن ایران و ایرانیان نوشته است می‌توان به کتاب‌های زیر به عنوان بر جسته ترین آثار وی اشاره کرد: ترجمه تاریخ بخارا، میراث باستانی ایران، عصر زرین فرهنگ ایران، تاریخ باستانی ایران، ویراستاری جلد چهارم از کتاب تاریخ ایران کمبریج، ایران بزرگ

\*\* حسن پیرنیا، ملقب به مشیرالملک و بعد

قدرت، اخلاق نیز همزمان در کار شکل دهی به افراد انسانی و ایجاد تصاویر ویژه از آنها و موضوعات طرف تعاملشان می باشد. در اینجا ارتباطی که شخص با خود در بستر مسائل اخلاقی و تأثیرگذار برخود پیدا می کند، موضوع مطالعه می باشد. در حالیکه نیروهای قبلی به معنای نیروهای بیرونی اند، در این مرحله نیروهای درونی مورد توجه قرار می گیرند. در این محور، نقشی که خود و اخلاق در ایجاد هویت و شخصیت ویژه افراد دارد، کانون توجه فوکو را می سازد.

تاریخ حال، دغدغه اصلی فوکو: تعبیر تاریخ حال برای تأکید براین است که آنچه اکنون هست، می توانست صورتی دیگر داشته باشد یا به بیان دیگر تاریخ چگونه متفاوت بودن است. او می خواهد به این سؤال پاسخ دهد که ما چگونه ما شدیم و صورت متفاوت کنونی را به خود گرفته ایم. نکته بنیانی در تاریخ نویسی زمان حال، غیرطبیعی و غیربدیهی نشان دادن طبیعت و بدیهیات و به تعبیری آشنایی زدایی یا واکاوی است.

مشکلات تاریخ سنتی: فوکو معتقد است تاریخ سنتی از وجوده چندی نمی تواند روش مناسبی برای انجام مطالعات تاریخی، بالاخص مطالعه دانش و گفتمانهای علمی فراهم سازد. تمامیت گرایی، غایت گرایی، انسان شناسی یا انسان گرایی، عمدۀ ترین نقصان دید تاریخی رسمی از دید فوکو می باشد(همان، ص ۳۷).

۲- گزاره(enounce) را می توان بیان کنشی از راه کلام تلقی کرد که دارای اعتبار است. گزاره صرفا جمله نیست، چراکه برای مثال، یک نقشه یا تصویر را می توان نوعی گزاره به شمار آورد(میلز، ۱۳۸۹، ص ۱۰۹).

۳- سوزگی یعنی چیزی که فرد را به خودش مقید می سازد و بدین شیوه وی را تسليم دیگران می کند. پس سوزگی مضمون انقیاد است. از همین رو فوکو در این جالالفاظ انگلیسی subjectivity و subjectiveness را اغلب به یک معنا به کار می برد.

- منابع و مأخذ**
- اقبال آشتیانی، عباس(۱۳۸۹) تاریخ ایران پس از اسلام، از صدر اسلام تا انقراض قاجاریه. تهران: نشر نامک.
- برتنس، هانس(۱۳۸۴) مبانی نظریه ادبی. ترجمه رضا ابوالقاسمی. تهران: نشر ماهی.
- بشریه، حسین(۱۳۷۸) دولت و جامعه مدنی(گفتمانهای جامعه سیاسی). قم: انتشارات نقد و نظر.
- بشریه، حسین(۱۳۷۸) نظریه های فرهنگ در قرن بیستم. تهران: موسسه فرهنگی آینده پویان.
- بروجردی، مهرزاد(۱۳۷۷) روش‌نگران ایرانی و غرب. ترجمه جمشید شیرازی. جلد اول. تهران: نشر فرزان روز.
- بروسیوس، ماریا(۱۳۸۸) ایران باستان. ترجمه عیسی عبدی. تهران: نشر ماهی.
- بیگللو، رضا (۱۳۸۰) باستان‌گرایی در تاریخ معاصر ایران. چاپ اول. تهران: نشر مرکز.
- پرداد، ایدت؛ دایسون، رابرт؛ ویلکینسون، چارلز (۱۳۵۶) هنر ایران باستان، تمدن‌های پیش از اسلام. ترجمه یوسف مجیدزاده. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- پیرنیا، حسن، (مشیرالدوله سابق)(۱۳۷۵) تاریخ ایران باستان. جلد چهارم. دوره پارسی ها. تهران: نشر دنیای کتاب.
- ترنر، برایان اس (۱۳۸۴). رویکردی جامعه شناختی به شرق‌شناسی، پست‌مدرنیسم و جهانی شدن. ترجمه محمد علی محمدی. تهران: انتشارات یادآوران.
- حضرتی، حسن (۱۳۸۹) تاریخ نگاری ایران باستان، چیستی و چرایی. کتاب ماه تاریخ و جغرافیا. شماره ۱۴۵هـ.
- خالقی، احمد(۱۳۸۲) قدرت، زبان و زندگی روزمره. تهران: رساله دکتری علوم سیاسی به راهنمایی دکتر حسین بشیری رایت، دنیس (۱۳۵۹) انگلیسی‌ها در میان ایرانیان. ترجمه لطفعلی خنجی. تهران: انتشارات امیرکبیر. داوری اردکانی، رضا (۱۳۵۷) وضع کنونی تفکر. چاپ اول. تهران: انتشارات سروش.

# مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری  
Urban Management  
شماره ۴۵ زمستان ۹۵  
No.45 winter 2016

۳۸۷

- و ساسانی. ترجمه بهرام فره وشیتهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.  
ماتیوز، اریک(۱۳۷۸)فلسفه فرانسه در قرن بیستم. ترجمه محسن حکیمی. تهران: انتشارات ققنوس.  
میلز، سارا(۱۳۸۹) میشل فوكو. ترجمه داریوش نوری. تهران: نشر مرکز.  
نوذری، حسین——علی(۱۳۹۲). فلسفه تاریخ، روش شناسی و تاریخ نگاری. مق——الاتی از آر. اف. انکینسون، مایکل استنفورد، والتربنیامین، کریستوفر لوید، لئون پمپا، روزه شارتیه، پیتربرک، مارک پستر، جان لوئیس گدیس، میشل فوكو. چاپ سوم. تهران: انتشارات طرح نو.  
ویسهوفر، یوزف(۱۳۷۷) ایران باستان. ترجمه مرتضی ثاقب فر. تهران: انتشارات ققنوس.  
یورگنسن، ماریان؛ فیلیپس، لوییز(۱۳۹۱) نظریه و روش در تحلیل گفتمان. ترجمه هادی جلیلی. تهران: نشر نی
- Bressler ,Charles E. (2007). Literary Criticism: An Introduction to Theory and Practice . 4th Ed. New Jersey: Pearson Education Inc.
- Encyclopaedia Iranica vol . x . Fasc. 6.
- Encyclopaedia of Human Evolution and Prehistory (2010). Routledge.
- RKeddie,Rudolph P. Matthee (2002). Iran and the surrounding world: interactions in culture and cultural politicsNikki. Seattle:University of Washington Press.
- Sim, Stuart (editor) (2005). 2nd Ed. The Routledge Companion to Postmodernism New York: Routledge .

دریفوس، هیوبرت و رابینو، پل (۱۳۹۱) میشل فوكو، فراسوی ساختگایی و هرمنیوتیک. ترجمه حسین بشریه. چاپ هشتم. تهران: نشر نی.  
دورانت، ویل و آریل (۱۳۶۸) درآمدی بر تاریخ تمدن. ترجمه احمد بخطابی، خشاپار دیهیمی. چاپ دوم. تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.  
زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۶۳) تاریخ ایران بعد از اسلام. تهران: انتشارات امیر کبیر.  
سرفراز، علی اکبر، فیروزمندی، بهمن(۱۳۷۳) مجموعه دروس باستانشناسی وهنر دوران تاریخی، ماد، هخامنشی، اشکانی، ساسانی. تهران: جهاد دانشگاهی هنر.  
سحاب، ابوالقاسم (۱۳۵۶) فرهنگ خاورشناسان. تهران: انتشارات کتاب سحاب.  
سعید، ادوارد (۱۳۷۱) شرق شناسی. ترجمه عبدالرحیم گواهی. چاپ اول. تهران: دفترنشر فرهنگ اسلامی.  
شاهمیری، آزاده (۱۳۸۹) نظریه و نقد پسا استعماری. تهران: نشر علمی.  
شمیم، علی اصغر (۱۳۷۶) ایران در دوره سلطنت قاجار. چاپ ششم. تهران: انتشارات مدب.  
صالحی زاده، عبدالهادی(۱۳۹۱) درآمدی بر تحلیل گفتمان میشل فوكو. تهران: نشریه فرهنگی اجتماعی، سال دوم، شماره سوم  
ضیمران، محمد (۱۳۹۰) میشل فوكو: دانش و قدرت. تهران: انتشارات هرمس.  
فرای، ریچاردنسون (۱۳۷۷) میراث باستانی ایران. ترجمه مسعود رجب نیا. چاپ چهارم. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.  
فوکو، میشل(۱۳۷۷) ایرانیها چه رویایی در سر دارند. ترجمه حسین معصومی همدانی. تهران: انتشارات هرمس.  
کچویان، حسن (۱۳۸۲) فوكو و دیرینه‌شناسی دانش، روایت تاریخ علوم انسانی از نژادی تا مابعدالتجدد. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.  
گیرشمن، رمان(۱۳۷۰) هنر ایران در دوران پارتی

